

نقض آزادی در پای دیوار حقوق بشر توسط گزومه های استبداد و بی فرهنگی



کمیته مستقل علیه سرکوب شهروندان ایرانی در ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ تجمعی در پاریس ترتیب داد که در خلال آن برخی از مسئولین اصلی این کمیته دست به رفتاری زدند که شا یسته مبارزات مردم ایران نیست و سکوت در برابر آن به زیان رشد دموکراسی در جامعه ماست. متاسفانه این بار اول نیست که در پاریس کمیته مستقل علیه سرکوب شهروندان ایرانی آزادی ایرانیان علاقمند به شرکت در جنبش ۸۸ را به دلایل بی اساس سلب می‌کند.

از جمله این دلیل ها آن است که شعار سرنگونی جمهوری اسلامی، مشارکت طرفداران پادشاهی و مجاهدین خلق با پرچم شیرو خورشید ممکن است جان رهبران، آقایان موسوی و کروبی را در ایران به خطر بیندازد! بدین وسیله شعار ها را کنترل کرده و دگراندیشان را یا وا دار به اطاعت مینمایند یا آنها را از صفوف تظاهرات بیرون میکنند و در صورت مقاومت آنها را از پرخاشگری و حتی توهین مبرا نمی سازند و ... پلیس هم میاورند.

حادثه ای که در ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ در پاریس روی داد بر همین روال انجام گرفت که جای دل نگرانی و حتی تنفر شرکت کنندگان شد و بسیاری را به یاد یک سال پیش انداخت که اعضای همین کمیته برای کسانی که به جمهوری اسلامی نه می گفتند گزومه کشی کردند.

همه شواهد آنچنان می نماید که بیان شود :

۱ - چنین رفتاری نه تنها مورد تقبیح و انتقاد شدید است بلکه پاشیدن تخم نفاق در جنبش ضد دیکتاتوری علیه حکومت اسلامی و عقب نشینی در همبستگی و همسازی نیرو ها است.

۲- کسانی این کار را میکنند که سرود ای ایران و یار دبستانی را می خوانند. سرود ای ایران که متعلق به همه ی ایرانیان است، یار دبستانی که سخن از بی فرهنگی ما می‌کند.

۳ - حیرت انگیز است که این رفتار در زیر دیدگان دو مدافع حقوق بشر ایران، خانم شیرین عبادی برنده جایزه نوبل و آقای عبدالکریم لاهیجی رئیس جامعه حقوق بشر ایران و نایب رئیس فدراسیون بین المللی حقوق بشر انجام می‌گیرد !

۴ - این کار به سبیل اتفاق در پای دیوار حقوق بشر پاریس هستی می یابد !

ما ایرانیان در موقعیتی از تاریخ و رشد اجتماعی هستیم که نباید از خاطر دور سازیم که آزادی شرط نخست دموکراسی، ترقی خواهی، استقلال و پویایی است. در هر اجتماعی ابتدا باید آزادی وجود داشته باشد که مردم امکان فکر کردن و اظهار نظر آزاد را داشته باشند. در یک جامعه آزاد تولید ارزش افزوده انسانی و مادیت بخشیدن بدان

فقط از احترام به آزادی دیگران امکان پذیر است. برای مبارزه با اندیشه های ناسازگار و احتمالاً ناشایست باید به طرف مقابل آزادی داد تا نظرات خود را بیان کند، زیرا که حقیقت در دست توانای خرد جمعی است که تنها روشنایی بخش جامعه مدرن می باشد و استقرار اختناق به هر دلیل و بهانه بی که باشد شایسته جامعه بشری نیست. نگاهی گذرا به تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی ایران نشان میدهد که زیر پا گذاشتن آزادی استقرار دیکتاتوری را باعث شده است: محمدعلی شاه، رضا شاه، محمد رضا شاه، خمینی و خامنه ای با بی احترامی به حق آزادی مردم، ابتدا جامعه را به خشونت سوق دادند و بعد دیکتاتوری را حاکم ساختند که نتیجه آن وضع تاسف بار امروز جامعه ایرانی است. شاید آقایان موسوی و کروبی بعد از آنهمه تجربه در حاکمیت اسلامی امروز به این ارزش جامعه انسانی یعنی آزادی اندیشه و بیان رسیده باشند! اگر کمیته مستقل علیه سرکوب شهروندان ایرانی بیانگر مستقیم یا غیر مستقیم مواضع این آقایان است آیامشتی نمونه خروار نمی باشد که باید از آن هراس داشت و همواره از آن دوری جست؟ آیا نباید با این روشها جداً مبارزه کرد؟ بی هیچ تأملی پاسخ به این سوال ها مثبت است.

در شرایط کنونی ایران، در هر تظاهرات اجتماعی، افراد سازمان دهنده باید به همه نحله ها در منظومه اجتماعی و فکری، آزادی حضور بدهند، برای دیگران وقت و فرصت شعار دادن در یک نظم مذاکره شده قائل گردند، چرا که جنبش مردم ایران تک رنگ نیست و رنگین کمان است. اگر تا سال پیش شعار سر نگرانی جمهوری اسلامی فقط توسط برخی عنوان می شد امروز اکثریت قریب به اتفاق مردم خواستار آن هستند. این خواست را نمی توان و نباید خفه کرد.

با توجه به رفتاری که از سوی این کمیته در ماههای اخیر در پاریس سر زده- همچون ناپدید شدن تابلو های شعارها در تظاهرات اول ماه مه، شعارهایی که با توافق شرکت کنندگان تهیه شده بود - این واقعیت را آشکار می سازد که کمیته مستقل علیه سرکوب شهروندان ایرانی پاریس هژمونی طلب و در واقعیت امر خود سرکوبگر دگراندیشان بوده و در اندیشه و رفتار و کردار پرورده دیکتاتوری است. نتیجه این رفتار جز به زیان خودش نخواهد بود. برخی از افراد اصلی آن با عصبانیت و بی احترامی به انسانها، محیط را مسموم و غیر قابل تنفس میکنند. بی تردید باید تمام کسانی که به تبعیض اعتقاد ندارند در برابر رفتار این مستبدین صغیرو پروردهای مکتب بی فرهنگی ایستادگی کنند. چراکه دمکراسی نیازمند زنان و مردانی است که با عقل و منطق، با افراد و گروه هایی که آزادی و حقوق طبیعی انسان را رعایت نمی کنند، برخورد کنند. شاید زمان آن فرا رسیده باشد تا همیهنان شرکت کنند در فراخوان های این کمیته نسبت به امرحضور خود در اینگونه تظاهرات تجدید نظر نمایند.

اما نا گفته نماند که خوشبختانه تجمع ایرانیان در سایر کشورهای اروپایی و امریکایی بدین منوال نیست؛ در بسیاری از کشورها مانند سوئد، بلژیک، آلمان، اتریش، انگلستان و... موجودیت این رنگا رنگی قابل تحسین است. سوال دیگر اینکه آیا این کمیته ظرفیت کیفی لازم را در خود داراست که از سایر کشور ها سر مشق بگیرد؟

در هر صورت، نگارنده به عنوان عضو فعال جامعه دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران - پاریس- و قبل از انقلاب ۱۹۷۸-- و عضو موسس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران بعد از انقلاب ۱۹۸۲- - پاریس، باید از صمیم قلب آرزو کند که این رفتار مورد انتقاد افراد آزادیخواه و طرفدار عدم تبعیض، دمکرات و لائیک یا سکولار در داخل

و خارج کمیته قرار گیرد. چرا که دمکراسی شیوه بی از زندگی فرد در اجتماع است که نیاز به تساهل و دفاع از آزادی دیگران دارد.

فرهنگ قاسمی

پاریس ۱۴ ژوئن ۲۰۱۰